



حرف اول

مدیرمسئول

تبرئه خویش و اشتباه‌های مکرر خود، دلسوزان اسلام و انقلاب اسلامی را نیز با ادبیات رکیک، واژگان ناروا و برجسب‌های دون شأن و خلاف شوون و آداب متهم می‌سازند. شما خود داوری کنید. آیا دادن امتیاز و اعتبار کدخدایی جهان به آمریکا و ترساندن جامعه از خشم کدخدا و پیشنهاد دم کدخدا دیدن و جامعه را از حمله نظامی آمریکا برحذر داشتن و جلوتر از موعد و پیش از تحقق شرایط نظام، پیشاپیش به استقبال تأمین خواسته‌های دشمن رفتن و دشمنان درجه یک نظام و انقلاب اسلامی را افرادی باخلاق و باهوش دانستن و در برابر نوشته‌ها و گفته‌ها و رفتارهای هجوآمیز آنان کوتاه‌امدن و با حالتی از انفعال حاکی از ترس و واهمه، از دشمن سخن گفتن و نظایر آن، نشانگان نفوذ نیست؟ آیا در گذشته‌ای نه چندان دور و دراز، مواردی چون ارائه لایحه دولو به مجلس و گسترش فرهنگ و ارزش‌های غربی و مخدوش‌سازی ارزش‌های اسلامی و انقلابی از طریق راه‌اندازی پایگاه‌های تبلیغاتی دشمن در روزنامه‌های زنجیره‌ای و مجلات و کتب انحرافی و شرکت فعال روشنفکرمایان غرب‌زده از جریان دوم خرداد در اجلاس برلین و استحاله و ریزش برخی از نیروهای مدعی با سوابق مذهبی و انقلابی و جهت‌گیری احزاب دوگانه مشارکت و کارگزاران به سمت و سوی لیبرال‌دموکراسی و حادثه کوی دانشگاه در تیر ۷۸ و بست‌نشینی ۱۳۹ نفر از نمایندگان مجلس ششم به نفع دشمن و برپایی فتنه ۸۸ و جسارت به حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام و امام راحل قدس سره و مقدسات مذهبی و انقلابی در روز عاشورای حسینی، نشانه‌هایی آشکار و بی‌پرده از جریان نفوذ نیست؟ اگر این همه نشانه بیانگر نفوذ دشمن نیست پس چیست؟

این اظهارات چرچیل را نباید هیچ‌گاه از نظر دور داشت که گفته بود «با

... به یاد آذیرهای وضعیت قرمز دوران بسیار خاطره‌انگیز هشت سال دفاع مقدس...
توجه! توجه! مقالاتی که پیش رو دارید، علامت وضعیت قرمز است و معنا و مفهوم آن این است که خطر نفوذ دشمن قطعی است. با تکیه بر ولایت فقیه و رهنمودهای امام خامنه‌ای به پناهگاه امن ولایت پناه برید تا در سایه‌سار چتر برافراشته ولی و ولایت فقیه از شر و فتنه دشمنان در امان بمانید.
نشانگانی که طی سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، از جمله از ناحیه دولت موقت، پس از آن دوره ریاست جمهوری بنی‌صدر، به دنبال آن دولت تکنوکرات‌ها، سپس جریان کور دوم خرداد و طرح صلح با آمریکا و فتنه‌های سال‌های ۷۸ و ۸۸، تا دادوستدهای پشت پرده با بیگانگان و جریان شیرازی‌ها و طیف شیعه انگلیسی و... هر از چند گاهی به طور متوالی و به اشکال گوناگون در برابر جبهه انقلاب اسلامی و صف مستحکم مردم مشاهده می‌کنیم، بر حسب موارد از میزان و کیفیت اراده و عزم و جدیت بیگانگان برای نفوذ در ساختار سیاست و تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری دولت و نظام جمهوری اسلامی خیر می‌دهد. با این همه نشانه‌های بارز و نمایان، شگفتا از کسانی که آگاهانه یا ناآگاهانه به انکار جریان نفوذ و حضور نفوذی‌ها می‌پردازند و یا خطر نفوذ دشمن را توهمی بیش نمی‌پندارند! طبعاً، این انکار و پندار، بیش‌تر توسط اشخاصی ابراز می‌شود که خواسته یا ناخواسته، از روی آگاهی و یا ناآگاهی زهر نفوذ در وجودشان تزریق شده است و در نتیجه به تعبیر روان‌شناسانه به حالت ضدحساسیت رسیده‌اند، همانند کسی که در محیط مزبله و کثافت به حالتی می‌رسد که دیگر بوی زباله و کثافت را احساس نمی‌کند. اینان با این حالت، نه تنها به انکار نفوذ و نفوذی‌ها روی می‌آورند، بلکه برای



و شایعه‌افکنی و ناتوان‌سازی ناشی از خصومت دیرینه دشمنان را خنثی ساخت. هنگامی که دشمن به‌ویژه توسط عناصر نفوذی خود در تلاش است تا نگاه امت اسلامی به جانب او انحراف یابد و برای برون‌رفت از مشکلاتی که خود دشمن با نقشه‌های شومش پدید آورده است به دامن او متوسل شود و به کمکش امیدوار گردد و از او مدد جوید، دلسوزان با بصیرت انقلاب اسلامی باید بکوشند نگاه مردم را به درون و به داشته‌ها و توانمندی‌های خودشان جلب کنند و از دل بستن به جانب دشمن و امیدوار شدن به همراهی او منصرف کنند. در این دوره و زمانه، بصیرت و صبر و دوراندیشی، شرط لازم برای مصون ماندن از مکر دشمن است. ایمن ماندن از شرّ دشمن و خنثی کردن نقشه‌ها و بستگی به این دارد که یاران انقلاب اسلامی در مسیر کارزار با دشمن، از روی صدق و صفا، سر و سودای خویشتن را به خداوند بسپارند و با گام‌هایی استوار در راه او ثابت قدم بمانند و با بصیرت نافذ خویش دور دست دشمن را از نظر بگذرانند و از این راه نتایج هم‌سوئی و هم‌گرایی با دشمن را هم ببینند. صف‌آرایی در برابر دشمن باید به گونه‌ای باشد که هراس در دل و جان دشمن افکند و وی را در جای خودش زمین‌گیر سازد. حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام خطاب به محمد حنفیه در جنگ جمل می‌فرماید: «تَزُولُ الْجَبَالُ وَ لَا تَزُولُ غَضُّ عَلِيٍّ نَاجِدِكَ أَعْرَبُ اللَّهِ جُمُوحَتِكَ تَذِي فِي الْأَرْضِ قَدَمَكَ أَرَمَ بِبَصْرِكَ أَقْصَى الْقَوْمِ وَ غَضُّ بَصْرِكَ وَ أَعْلَمُ أَنَّ النَّصْرَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ»^۱ کوه‌ها از جای کنده می‌شوند اما تو (پارچا بمان) و از جای کنده نشو و (از روی غیظ و غضب علیه دشمن) دندان‌هایت را بر هم بفشار و جمجمه‌ خویش را به خدا بسپار و پای محکم بر زمین کوب و دیدگان بر دور دست دشمن بیفکن و (بدون کم‌ترین بیم و هراس) چشم (از برق شمشیر و تیزی نیزه دشمن) فرو بند و آگاه باش که پیروزی از جانب خداوند خواهد رسید. بدیهی است چنان‌چه به توان و کارآمدی خویش آگاه باشیم و با تمام توان و نیرو در مقابل دشمن صف‌آرایی کنیم، این دشمن است که به ناتوانی و سردرگمی خود پی خواهد برد و چاره و تدبیر را از دست خواهد داد. تجربه‌ ده سال جنگ و گریز؛ دوسال جنگ‌های داخلی و هشت سال دفاع مقدس، نشان داد که کشور جمهوری اسلامی ایران به پستوانه انقلاب اسلامی و جایگاه رهبری و الامقام و مردم بیدار و با بصیرت و هشیار و وفادارش می‌تواند در هر شرایطی از عهده دفع هجمه دشمنان برآید و از نفوذشان در ساختار تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری پیشگیری کند و نقشه‌های شوم آنان را نقش بر آب سازد. همراهان تیزبین «فرهنگ پویا» بر آن شدند تا این شماره از نشریه را به بررسی پدیده شوم نفوذ دشمن از یک سو و تجزیه و تحلیل قدرت نرم نیروهای وفادار و پاسدار انقلاب اسلامی در روبرویی با ترفندها و هجمه‌های دشمن، از سوی دیگر اختصاص دهند. این شما فرهیخته‌ ارجمند و این هم جان‌نوشته‌های دوستان شما در فرهنگ پویا.

پی‌نوشت‌ها

1. desensitize
۲. به نقل از دکتر موسی حقانی، مدیر مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران. مراجعه شود به: <http://mashrooat.pchi.ir/show.php?page=contents&id=17506>
۳. امینی، عبدالحسین، العدیر، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۳۹۷ ق، اول، ج ۹، ص ۲۱۰.
۴. نهج البلاغه، خطبه ۱۱، من کلام له علیه السلام لانه محمد بن حنفیه لما اعطاه الراية يوم الجمل.

استفاده از دو عنصر اقلیت خائن و اکثریت ناآگاه می‌توان به اهداف استعماری در دیگر کشورها دست یافت.^۲ بی‌گمان، بیش‌تر این اقلیت خائن کسانی هستند که در بدنه و ساختار و مراکز تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری نظام جای گرفته و یا به نوعی در این قبیل مراکز نفوذ کرده‌اند و مانند موربانه از درون در اندیشه فروپاشی نظام به سر می‌برند. به علاوه این اقلیت خائن همواره و در هر شرایطی از حمایت جدی خواص بی‌بصیرت برخوردارند و اغراض فرهنگی-سیاسی و بعضاً منویات حتی اقتصادی خویش را در زیر چتر حمایت این دسته از خواص پی‌جویی می‌کنند و به آن‌ها جامعه عمل می‌پوشانند. در این میان، چنان‌چه اهل بصیرت عمارگونه به میدان نیایند و روشنگری نکنند، آن اقلیت خائن با توجه به امکانات گسترده‌ای که در اختیار دارند، با سرعتی حیرت‌آور ذهنیت اکثریت ناآگاه را تصرف و تصاحب می‌کنند و این بار مطالبات خود را از مسیر زبان و مرام مردم جویا می‌شوند و نظام را با چالش جدی مردمی روبرو می‌سازند. عمروعاص و معاویه اگر تاب جنگیدن را با سپاه مولی امیرالمؤمنین هم می‌داشتند، تاب روشنگری جناب عمار را نداشتند و به همین دلیل با تدابیر شیطانی خود و با نقشه از پیش طراحی شده، وی را به شهادت رساندند تا یک بار دیگر تاریخ شاهد صدق کلام حضرت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله وسلم باشد که خطاب به عمار فرمودند: «إِنَّكَ لَنْ تَمُوتَ حَتَّى تَقْتُلَكَ الْفِئَةُ الْبَاغِيَةَ النَّائِكَةَ عَنِ الْحَقِّ»^۳ تو خواهی مرد تا این که تو را گروه ستمگر فاجر رویگردان از حق خواهند کشت. ای کاش ده نفر مانند عمار در سپاه حضرت علی علیه‌السلام حضور داشتند تا با روشنگری خود، مانع نفوذ ترفندها و شیطنت‌های دشمن می‌شدند.

از جمله سیاست‌های شیطانی دشمن این است که اعتماد مردم را به سوی خودش جلب کرده، نگذارد آن‌ها به اهمیت نقش خود در راستای تأمین امنیت و استقلال کشور و نظام پی ببرند، بلکه بر عکس دشمن تلاش می‌کند این توهم را ایجاد کند که از طرفی نظام کارایی لازم را در تأمین منویات و اهداف خود از دست داده است و از سوی دیگر کاری از مردم نیز ساخته نیست. ایجاد توهم و احساس ناتوانی و ضعف و تقویت روحیه منفی‌بافی و منفی‌نگری، ارکان اجتماعی را از درون سست می‌کند و جامعه را نسبت به آینده‌های سرشار از امید و موفقیت بدبین می‌گرداند و اعتماد آنان را به نیروی لایزال الهی و درونی خود از بین می‌برد. اما مردم ایران دیده و شنیده‌اند و بعضاً حتی به خاطر دارند که اعتماد مصدق به غرب و به‌ویژه به آمریکا زمینه نفوذ دشمن و کودتای ننگین و خفت‌بار ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را فراهم آورد. سبک شمردن مردم یک جامعه و ناتوان‌انگاشتن و ضعیف‌پنداشتن آنان یکی از صدها حربه‌ای است که مستکبران علیه جوامعی به کار می‌بندند که درصدد تسخیر آنان برمی‌آیند. فرعون نیز از همین حربه بهره جست و سالیانی دراز بر مردم و منافع آنان مستولی شد و به سلطه‌گری تجاوزگرانه و ظالمانه خویش ادامه داد. قرآن در این باره می‌فرماید: فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَاطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ (زخرف، ۵۴)، فرعون مردمش را سبک شمرد (وخواهر پنداشت)، پس او را فرمانبردار شدند. به درستی که آنان مردمی فاسق بودند. این آیه نشان می‌دهد کسانی تحت تأثیر القائات و ترفندهای شیطانی دشمن رنگ می‌بازند و تسلیم خواهش‌ها و تمایلات او می‌شوند، که گرفتار فسق و فجور حتی از جنس درونی‌اش باشند. این یک نشان روشن از شخصیت و وضعیت افرادی است که در جمع خواص و یا مردم، فریب دشمن را می‌خورند و در برابر شیطنت‌های دشمن منفعلانه رفتار می‌کنند. در برابر هر حربه دشمن بایستی حربه‌ای متناظر و متناسب با آن به کار بست تا بتوان اثر سم‌پاشی

